

## اقتصاد سیاسی انرژی و روابط خارجی ایران با همسایگان؛ عراق

حسن راعی

کارشناس ارشد رشته مهندسی سیستم‌های انرژی، دانشگاه صنعتی شریف، ایران، تهران.

عباس ملکی\*

دانشیار سیاستگذاری انرژی، دانشگاه صنعتی شریف، ایران، تهران.

### چکیده

با وجود چالش‌هایی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، کمبود سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز، و عدم برخورداری از فناوری پیشرفته، ایران به واسطه برخورداری از منابع طبیعی سرشار، نیروی انسانی وافر، و موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌نظیر با اتخاذ رویکردی عقلایی توانایی نقش آفرینی در بازار انرژی در جهان را خواهد داشت. قابل‌تصور است که پیش‌نیاز به عهده گرفتن نقشی جهانی برای سیاستگذاری انرژی ایران، گسترش روابط انرژی با همسایگان متعدد خویش است. موقعیت ژئوپلیتیک ایران و دسترسی به مرزهای زمینی و آبی با پانزده کشور می‌تواند یک مزیت استراتژیک برای ارتقای همکاری‌های انرژی محسوب گردد. هدف از پژوهش حاضر آن است که با تمرکز بر روابط مبتنی بر انرژی در بستر همسایگی با استفاده از نظریه وابستگی متقابل در چارچوب رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های موجود در زمینه همکاری میان ایران و عراق بپردازیم.

**کلمات کلیدی:** ایران، عراق، وابستگی متقابل، اقتصاد سیاسی.

\* نویسنده مسئول

در گذشته تسلط بر مهم‌ترین منابع طبیعی به عنوان تسلط بر جهان شمرده می‌شد و در عصر حاضر، خطوط انتقال انرژی بیانگر مفهوم تسلط بر جهان است. ساخت خط لوله برای کشور ترانزیت‌کننده، دارای فواید اقتصادی و سیاسی فراوانی از قبیل درآمد ارزی ناشی از حق ترانزیت، دسترسی به نفت و گاز طبیعی برای نیازهای داخلی، تامین امنیت انرژی داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد اشتغال، و دستیابی به ابزار نفوذ بر جریان‌های انرژی می‌باشد. پس از پایان جنگ سرد، کشورهای قدرتمند سعی کردند به مناطق حساس جهان به جای توجهات سیاسی و نظامی، نگرشی سیاسی اقتصادی داشته باشند. به همین دلیل در حال حاضر یکی از اهداف مهم قدرت‌های بزرگ دستیابی و تسلط بر منابع انرژی است. در حال حاضر دولت‌ها برای ادامه حیات و ثبات اقتصادی خویش نیازمند تعامل با سایر کشورها هستند؛ ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک بی‌نظیر خود می‌تواند به عنوان نقطه اتصال مناطق مختلف به یکدیگر شناخته شود. در زمینه انرژی صرف‌نظر از ذخایر قابل توجه نفت و گاز طبیعی، ایران به واسطه قرار گرفتن در میان دو پهنه آبی دریای خزر و خلیج فارس از پتانسیلی قابل توجه در زمینه ایفای نقش به عنوان کشوری ترانزیت برخوردار است (Akhbari, 2018). با توجه به افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیک، بندرهای ایران می‌توانند نقش محوری داشته باشند (Singh et al., 2019).

اگرچه موضوع انرژی و ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی آن همواره و به ویژه طی دو قرن گذشته در کانون تحولات و روندهای بین‌المللی قرار داشته، اما اهمیت و تاثیرگذاری آن در روابط بین‌الملل به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. در واقع، انرژی به یکی از مولفه‌های اصلی قدرت در روابط بین‌الملل تبدیل شده و نقش یک پیشران موثر را در پیوند دادن عرصه‌های مختلف سیاست و اقتصاد، اعم از ملی و فراملی ایفا می‌نماید (اسلامی، ۱۳۹۱). مسئله امنیت عرضه انرژی برای مصرف‌کنندگان و امنیت تقاضای انرژی برای تولیدکنندگان در چارچوب سیاست‌های تجاری نفت و گاز طبیعی، تابعی از الگوی احداث خطوط لوله انتقال به ویژه برای گاز طبیعی نیز هست. احداث خط لوله انتقال نفت یا گاز طبیعی وابستگی صادرکننده و واردکننده به یکدیگر را به شدت افزایش می‌دهد و امنیت انرژی را در جانب عرضه و در جانب تقاضا بهبود می‌بخشد (درخشان، ۱۳۹۱).

تاکید بر همکاری‌های مبتنی بر عامل‌های ژئوپلیتیک میان کشورها به طور معمول در صورت وجود مرز مشترک، منابع مشترک، و به طور کلی وجود مکمل‌ها در سطح منطقه‌ای عملی‌تر به نظر می‌رسد. همسایگان در صورت درک واقعیت‌های جغرافیایی و بر اساس اصول دیپلماسی و همکاری در ابعاد ژئوپلیتیک می‌توانند، بستر تعامل در دیگر عرصه‌ها از جمله مسائل امنیتی را نیز مهیا کنند. در این صورت کشورها به منبع تولید ثروت تبدیل گردیده و از ظرفیت‌های امنیتی خارج می‌شوند و این فرآیند آن‌ها را به سوی همکاری‌های بیشتر می‌کشاند. به دلیل تاثیرهای مستقیم همسایگان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و امنیتی بر یکدیگر هرگونه تنش و واگرایی بین همسایگان می‌تواند منطقه را به سوی بحران و آشوب بکشاند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹). فرصت‌های ژئوپلیتیک ایران را می‌توان در قالب موارد ذیل برشمرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷):

- قرارگیری در بیضی استراتژیک انرژی
- اشراف بر تنگه هرمز
- موقعیت ویژه ترانزیتی
- ذخایر انرژی

وجود ذخایر زیرزمینی به خصوص منابع انرژی فسیلی که به مثابه سوخت اقتصادی صنعتی جهان امروز است برای هر کشوری در نظام بین‌الملل یک نقطه اتکاء و یک ابزار چانه‌زنی و اعمال قدرت در عرضه رقابت جهانی به شمار می‌رود. با توجه به

نیازهای جهان صنعتی به نفت و گاز طبیعی و عدم امکان جایگزینی سوخت‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی و بادی در آینده نزدیک، دیپلماسی انرژی به یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهای اعمال قدرت در جهان امروز تبدیل شده است و دولت‌هایی که از مقادیر قابل توجه نفت و گاز طبیعی بهره می‌برند این امکان را پیدا کرده‌اند که از نفت یا گاز طبیعی استفاده سیاسی کنند (نیاکوئی و همکاران، ۱۳۹۴).

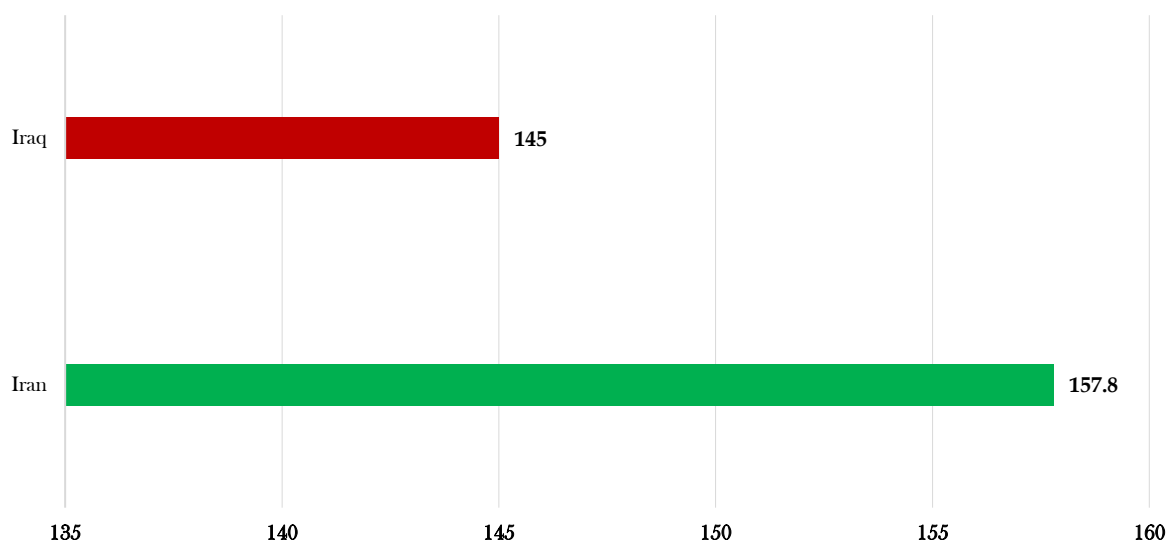
در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، انرژی به عنوان پاشنه آشیل بسیاری از مناطق و کشورهای صنعتی جهان نظیر اتحادیه اروپا، چین، هند، آسیای جنوب شرقی، و آمریکای شمالی محسوب می‌شود؛ بگونه‌ای که هیچ‌گیزی برای رهایی از وابستگی به آن، حداقل تا چند دهه آینده وجود ندارد (صادقی، ۱۳۹۲). دیدگاه کشورهای بزرگ مصرف‌کننده نفت که نوعا کشورهای صنعتی هستند، آن است که توزیع جغرافیایی نامتناسب مخازن نفتی در جهان مهم‌ترین تهدید علیه امنیت انرژی این کشورها بوده و هست. مخازن بزرگ نفتی اکثرا در کشورهایی قرار دارند که به لحاظ تولیدات صنعتی پیشرفته نیستند و کشورهای پیشرفته صنعتی یا اساسا مانند ژاپن فاقد ذخایر نفتی هستند، و یا آنکه نظیر ایالات متحده تولید داخلی نفت خام مطلقا جوابگوی نیازهای صنعتی آنها نیست. در سال‌های اخیر، چین و هند نیز به گروه دوم اضافه شده‌اند (درخشان، ۱۳۹۱). زیربنای اقتصاد سیاسی بین‌الملل، همکاری‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیک انرژی‌های فسیلی است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۹). اهمیت انرژی تا جایی است که کشورهای مصرف‌کننده، منابع تولیدکننده و مسیرهای انتقال‌دهنده انرژی را جزء اهداف راهبردی و منافع ملی خود در چارچوب امنیت ملی محسوب می‌نمایند (Raphael et al., 2018).

ایران به دلیل برخورداری از منابع بسیار قابل توجه سوخت‌های فسیلی و موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز، پتانسیل نقش آفرینی در بازار انرژی جهان با تاکید بر روابط همسایگی را دارا است. در این راستا در پژوهش حاضر به دنبال آن هستیم که با استفاده از نظریه وابستگی متقابل به طرح این مفهوم بپردازیم که ایران چگونه می‌تواند بعنوان یک تولیدکننده، یک مصرف‌کننده، و یک کشور ترانزیت همزمان به ایفای نقش پرداخته و منافع ملی خود را نیز تامین نماید.

## منابع انرژی کشورهای منتخب

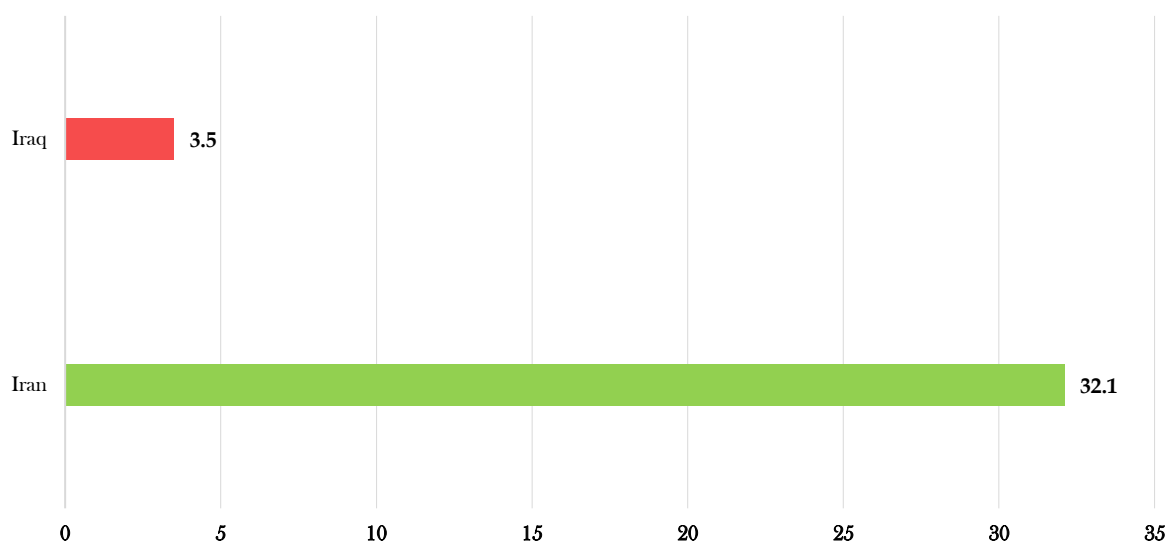
راه رسیدن به هدف‌های راهبردی و ارتقاء وزن ژئوپلیتیک هر کشور از درک صحیح موقعیت جغرافیایی، شناسایی جایگاه منحصر به فرد در نظام بین‌الملل، شناخت صحیح از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های محیطی، و بر اساس آن تدوین راهبردهایی برای چگونگی ایجاد پیوندهای مشترک در تاثیر عامل‌های ژئوپلیتیک در سطح‌های مختلف به طور کلی و سطح منطقه‌ای به طور خاص می‌گذرد (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

در ادامه به مقایسه ذخایر اثبات شده نفت و گاز طبیعی کشورهای ایران و عراق پرداخته و در ادامه وضعیت کشورهای مذکور را تشریح می‌نماییم.



Source: BP. Statistical Review of World Energy 2021.

نمودار ۱: حجم ذخایر اثبات شده نفت در کشورهای ایران و عراق در سال ۲۰۲۰ (میلیارد بشکه)



Source: BP. Statistical Review of World Energy 2021.

نمودار ۲: حجم ذخایر اثبات شده گاز طبیعی کشورهای ایران و عراق در سال ۲۰۲۰ (تریلیون مترمکعب)

## – ایران

ایران با داشتن ۱/۰۸٪ از جمعیت جهان (World Bank, 2020)، به ترتیب ۹/۱۱٪ و ۱۷/۰۷٪ ذخایر اثبات شده جهانی نفت و گاز طبیعی را در اختیار دارد. در سال ۲۰۲۰ از نقطه نظر نفت و گاز طبیعی، ایران به ترتیب با تولید و مصرف ۳۰۸۴ و ۱۷۱۵ هزار بشکه در روز و ۲۵۰/۸ و ۲۳۳/۱ میلیارد مترمکعب از پتانسیل مناسبی در زمینه حضور فعال در بازار انرژی در بستر همسایگی برخوردار است (BP, 2021). ایران در حوزه خلیج فارس به لحاظ استراتژیک مهمترین کشور است؛ چرا که تنگه هرمز، گلوگاه نفت جهان را در اختیار دارد و خاورمیانه را به آسیای مرکزی و جنوبی پیوند می‌دهد (کولایی و همکاران، ۱۳۹۲). در راستای تبیین وضعیت، در ادامه به بررسی چالش‌های موجود در مسیر حضور فعال ایران در بازار انرژی می‌پردازیم.

ایران در راستای بهره‌برداری از منابع غنی نفت و گاز طبیعی خود با چالش‌هایی روبروست. چالش‌های عمده ایران در صنعت نفت و گاز شامل عدم توانایی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مصرف بیش از حد گاز طبیعی، وجود میادین مشترک، تحریم‌ها، و حجم عظیم گازهای سوزانده شده هستند. منابع عظیم سوخت‌های فسیلی، قابلیت ارتقاء منزلت ژئوپلیتیکی<sup>۱</sup> ایران را داراست و توسعه اقتصادی ایران را شتاب می‌بخشد. اما با وجود برخورداری ایران از منابع عظیم انرژی و همچنین موقعیت مناسب جغرافیایی، ایران در بین بازارهای عمده مصرف‌کننده انرژی، به علت چالش‌های موجود موفق به استفاده از فرصت‌ها نشده است.

### چالش‌های ایران در صنعت نفت و گاز

#### ذخایر نفت و گاز طبیعی

ایران با دارا بودن ۱۵۷/۸ میلیارد بشکه و ۳۲/۱ تریلیون مترمکعب ذخایر قابل استحصال نفت و گاز طبیعی، به ترتیب چهارمین و دومین دارنده بزرگ نفت و گاز طبیعی جهان به شمار می‌رود (BP, 2021).

جدول ۱: میزان ذخایر نفت ایران ۲۰۲۰-۲۰۱۲ (میلیارد بشکه)

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	میزان ذخایر
۱۵۷/۸	۱۵۵/۶	۱۵۵/۶	۱۵۷/۲	۱۵۸/۴	۱۵۷/۸	۱۵۷/۸	۱۵۷	۱۵۷	

Source: BP. Statistical Review of World Energy 2013-2021.

جدول ۲: میزان ذخایر گاز طبیعی ایران ۲۰۲۰-۲۰۱۲ (تریلیون مترمکعب)

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	میزان ذخایر
۳۲/۱	۳۲	۳۱/۹	۳۳/۲	۳۳/۵	۳۴	۳۴	۳۳/۸	۳۳/۶	

Source: BP. Statistical Review of World Energy 2013-2021.

#### تولید نفت و گاز طبیعی

میزان تولید نفت و گاز طبیعی ایران در پایان سال ۲۰۲۰ برابر با ۳۰۸۴ هزاربشکه در روز و ۲۵۰/۸ میلیارد متر مکعب بوده است، که به ترتیب ۳/۵ و ۶/۵ درصد از کل تولید نفت و گاز طبیعی جهان می‌باشد. از لحاظ میزان تولید نفت و گاز طبیعی ایران به ترتیب هشتمین و سومین تولیدکننده بزرگ جهان به شمار می‌رود (BP, 2021).

<sup>۱</sup> واژه ژئوپلیتیک در اوایل قرن بیستم توسط رودلف کیلن ابداع شد. وی تحت تاثیر تفکرات فردریک راتزل قرار داشت. ژئوپلیتیک با اشاره به سیاست بین‌الملل به بررسی جغرافیا، تاریخ، و علوم اجتماعی می‌پردازد. به عبارت دیگر این شاخه، اهمیت استراتژیک و سیاسی جغرافیا را مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله عوامل موثر بر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی یک کشور، موقعیت دریایی، توپوگرافی، تقسیمات، و شکل هندسی کشور به عنوان عوامل ثابت می‌باشند و جمعیت، منابع طبیعی، و نهادهای سیاسی و اجتماعی به عنوان عوامل متغیر هستند (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۳).

## مصرف نفت و گاز طبیعی

میزان مصرف نفت و گاز طبیعی در ایران از ۱۶۸۵ هزار بشکه در روز و ۱۴۴/۴ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۱۷۱۵ هزار بشکه در روز و ۲۳۳/۱ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ رسیده است. ایران در سال ۲۰۲۰ با ۱/۹ و ۶/۱ درصد از کل مصرف نفت و گاز طبیعی جهان، به ترتیب دوازدهمین و چهارمین مصرف کننده بزرگ جهان می باشد (BP, 2021). بر اساس جدول (۳) در طول سال های گذشته اضافه تولید ایران اغلب مثبت بوده است. میزان مصرف ایران در سال ۲۰۲۰ آنقدر بالا است به گونه ای که از کل مصرف گاز طبیعی قاره آفریقا (۱۵۳ میلیارد مترمکعب) و آمریکای مرکزی و جنوبی (۱۴۵/۶ میلیارد مترمکعب) بیشتر می باشد (BP, 2021).

جدول ۳: میزان تولید، مصرف، و اضافه تولید نفت ایران ۲۰۱۲-۲۰۲۰ (هزار بشکه در روز)

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	
۳۰۸۴	۳۳۹۹	۴۶۰۸	۴۸۵۴	۴۵۷۸	۳۸۵۳	۳۷۱۴	۳۶۰۹	۳۸۱۰	میزان تولید
۱۷۱۵	۱۸۴۱	۱۷۱۷	۱۶۴۴	۱۵۸۵	۱۵۸۲	۱۷۶۴	۱۸۷۶	۱۷۶۳	میزان مصرف
۱۳۶۹	۱۵۵۸	۲۸۹۱	۳۲۱۰	۲۹۹۳	۲۲۷۱	۱۹۵۰	۱۷۳۳	۲۰۴۷	اضافه تولید

Source: BP. Statistical Review of World Energy 2021.

جدول ۴: میزان تولید، مصرف، و اضافه تولید گاز طبیعی ایران ۲۰۱۲-۲۰۲۰ (میلیارد مترمکعب)

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	
۲۵۰،۸	۲۴۱،۴	۲۳۲	۲۱۳،۸	۱۹۹،۳	۱۸۳،۵	۱۷۵،۵	۱۵۷،۵	۱۵۶،۹	میزان تولید
۲۳۳،۱	۲۲۳،۴	۲۱۹،۶	۲۰۵	۱۹۶،۳	۱۸۴	۱۷۳،۴	۱۵۳،۸	۱۵۲،۵	میزان مصرف
۱۷،۷	۱۸	۱۲،۴	۸،۸	۳	-۰،۵	۲،۱	۳،۷	۴،۴	اضافه تولید

Source: BP. Statistical Review of World Energy 2021.

مصرف بیش از حد گاز طبیعی در ایران موجب شده که امکان حضور پر رنگ ایران در بازار گاز طبیعی جهان فراهم نشود و حتی در برخی از سال ها جهت تامین گاز طبیعی مورد نیاز کشور به واردات گاز از کشورهای همسایه نیازمند باشیم.

جدول ۵: میزان واردات و صادرات گاز طبیعی ایران طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۸ (میلیون مترمکعب)

۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	
۳۸۶۱	۵۸۶۸	۹۰۶۶	۷۵۲۶	۵۳۷۲	۴۶۶۶	۱۱۸۱۱	میزان واردات
۱۳۲۲۷	۹۰۶۹	۸۵۶۷	۹۶۹۶	۹۲۸۲	۹۳۱۱	۹۴۷۶	میزان صادرات

ماخذ: مرکز آمار ایران

مصرف بی رویه گاز طبیعی یکی از چالش های اساسی برای ایران بشمار می رود، چرا که امکان صادرات گاز طبیعی را به کشور نمی دهد و کل گاز طبیعی تولیدی کشور صرف تامین تقاضای داخلی می شود. این میزان مصرف گاز طبیعی، عملی شدن قراردادهای صادرات گاز طبیعی ایران را با مشکل مواجه می سازد و باعث شده که ایران با وجود ذخایر عظیم گاز طبیعی اثبات شده در رده نهمین کشور بزرگ صادرکننده گاز طبیعی جهان قرار گیرد.

جدول ۶: ده کشور بزرگ صادرکننده گاز طبیعی جهان در سال ۲۰۲۰

میزان صادرات (میلیارد مترمکعب)	اضافه تولید (میلیارد مترمکعب)	مصرف (میلیارد مترمکعب)	تولید (میلیارد مترمکعب)	ذخایر (تریلیون مترمکعب)	
۲۴۱،۸	۲۲۷،۱	۴۱۱،۴	۶۳۸،۵	۳۷،۴	روسیه
۱۱۲،۳	۱۰۱،۶	۴۰،۹	۱۴۲،۵	۲،۴	استرالیا
۱۱۰،۸	۱۰۷،۱	۴،۴	۱۱۱،۵	۱،۴	نروژ
۷۸،۷	۸۲،۶	۸۳۲	۹۱۴،۶	۱۲،۶	ایالات متحده
۴۷،۶	۵۲،۶	۱۱۲،۶	۱۶۵،۲	۲،۴	کانادا
۴۰	۳۸،۴	۴۳،۱	۸۱،۵	۲،۳	الجزایر
۲۸،۴	-	-	۴۹،۴	۵،۵	نیجریه
۲۴،۳	۲۱،۷	۴۱،۵	۶۳،۲	۱،۳	اندونزی
۲۱،۶	۳۵	۳۸،۲	۷۳،۲	۰،۹	مالزی
۱۲،۴	۱۵،۱	۱۶،۶	۳۱،۷	۲،۳	قزاقستان
۱۱،۴	۱۷،۷	۲۳۳،۱	۲۵۰،۸	۳۲،۱	ایران
۲،۷	۴،۱	۴۳	۴۷،۱	۰،۸	ازبکستان

Source: <https://yearbook.enerdata.net/natural-gas/balance-trade-world-data.html> and BP. Statistical Review of World Energy 2021.

اکثر ۱۰ کشور بزرگ صادر کننده گاز طبیعی جهان از میزان ذخایر اثبات شده خیلی پایینی در مقایسه با ایران برخوردار می‌باشند. از سوی دیگر این کشورها بیشترین مصرف گاز طبیعی‌شان در صنعت می‌باشد، اما در ایران بخش صنعت بعد از بخش مسکن و تولید برق در رتبه سوم از لحاظ مصرف قرار دارد (ترازنامه نیرو - سال ۱۳۹۶).

#### عدم توانایی در جذب سرمایه خارجی

یکی از مهم‌ترین اقدامات ایالات متحده وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بوده است. طبق قانون داماتو (۱۹۹۵) شرکت‌هایی که سالانه بیش از ۲۰ میلیون دلار (در سال ۱۹۹۷ به ۴۰ میلیون دلار رسید) در بخش صنعت نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند مورد تحریم قرار می‌گیرند. از آن زمان به بعد میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در پروژه‌های نفت و گاز محدود شده است، شرکت‌های بزرگ نفت و گاز طبیعی از ترس تحریم‌های ایالات متحده اقدام به سرمایه‌گذاری در ایران نکرده‌اند، مگر تعداد محدودی با سرمایه‌گذاری کم که در سال‌های اخیر نیز بیشتر آن‌ها انصراف داده‌اند. در زمان جرج بوش علاوه بر تمدید قانون تحریم ایران و لیبی برای یک دوره پنج ساله، در مارس ۲۰۰۴ نیز طرح تحریم ایران برای یک سال دیگر تمدید شد، و از آن پس هر ساله تحریم ایران تمدید می‌شود. اگرچه تاکنون بیشتر تحریم‌ها در صنعت نفت و گاز به صورت یک جانبه توسط ایالات متحده اعمال شده است، اما این مورد اثرات روانی خود را بر جای گذاشته است، بطوریکه حتی بدون وضع تحریم بین‌المللی علیه ایران، برخی از شرکت‌های غیرآمریکایی پیشاپیش از تحریم‌های ایالات متحده تبعیت می‌کنند.

#### تحریم

تحریم یک ابزار سیاست خارجی است و به معنی اقدام قاطع علیه کشور هدف است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایالات متحده و کشورهای غربی که نتوانستند همانند سابق بر انرژی و منابع ایران تسلط داشته باشند، به مخالفت با ایران پرداخته و به هر طریقی سعی در نرسیدن ایران به اهداف مورد نظرش داشته‌اند. تحریم‌های آمریکا باعث شد که شرکت‌هایی مانند توتال و شل در اجرای پروژه‌های خود در ایران تاخیر داشته باشند و حتی از این کار انصراف دهند و بانک‌های اروپایی از تامین مالی توسعه استخراج نفت و گاز طبیعی در ایران سر باز زنند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۳).

شرکت رویال داچ شل به علت شرایط سیاسی موجود میان ایران و غرب خود را از توسعه یکی از فازهای پارس جنوبی و ساخت یک ترمینال گاز طبیعی مایع شده (LNG)<sup>۱</sup> کنار کشید. اقدامات ایالات متحده به اینجا ختم نشد و از هرگونه وسیله‌ای

<sup>۱</sup> Liquefied Natural Gas

در جهت فشار علیه ایران استفاده می‌کند. از جمله این اقدامات می‌توان به جلوگیری از صادرات گاز طبیعی ایران اشاره کرد. ایالات متحده مخالفت شدیدی با طرح انتقال گاز طبیعی ایران به اروپا دارد و در این راستا به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز روی آورده است و سعی می‌کند تا از طریق آن‌ها گاز طبیعی مورد نیاز اروپا را تامین کند. از طرف دیگر ایالات متحده در مورد خط لوله صلح و انتقال گاز ایران علاوه بر مشکلات مابین پاکستان و هند و کم کاری طرف پاکستانی با انجام گفتگوهایی درصدد جایگزین کردن خط لوله ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هندوستان (TAPI)<sup>۱</sup> می‌باشد.

#### **میادین گازی مشترک**

یکی دیگر از چالش‌های اساسی ایران در صنعت نفت و گاز، وجود میادین مشترک می‌باشد. وجود میادین مشترک باعث بوجود آمدن رقابت شدیدی برای دسترسی هر چه بیشتر و سریع‌تر به میادین شده و زمینه‌ساز ایجاد کشمکش‌ها و منازعات بین ایران و دیگر کشورهای صاحب این ذخایر مشترک شده است. در مواقعی که مخزن نفت و گاز در تقاطع مرزهای دو یا چند کشور یافت می‌شود، مساله حاکمیت یا مالکیت بر آن و بهره‌برداری از آن مسائل حقوقی پیچیده‌ای را پدید می‌آورد. عدم بهره‌برداری و توسعه به موقع میادین گازی مشترک از سوی ایران و برداشت زودتر و بیشتر دیگر کشورها از این میادین نه تنها از میزان ذخیره ایران کاسته است، بلکه روزانه میلیون‌ها دلار به کشورمان ضرر می‌رساند. اگر ایران نتواند به برداشت برابر در مقایسه با دیگر کشورها دست بزند، می‌توانیم بگوییم که میزان ذخایر ایران خیلی کمتر از آن چیزی است که مطرح می‌باشد. از سوی دیگر رقابت‌ها و عدم بهره‌برداری همزمان ارتباطات سیاسی ایران را با کشورهای منطقه تحت تاثیر قرار می‌دهد و امنیت کشور به مخاطره خواهد افتاد (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۳).

#### **گازهای سوزانده شده**

چالش دیگر مسئله سوزاندن گازهای همراه است که قدمت زیادی در ایران دارد و از همان آغاز شکل‌گیری صنعت نفت وجود داشته است و متأسفانه هنوز با گذشت سالیان متمادی و پیشرفت‌های وسیعی که در فناوری‌های مربوط به صنعت نفت و گاز بوجود آمده است، روزانه حدود ۴۰ میلیون مترمکعب گاز سوزانده و به این ترتیب بخش هنگفتی از این ثروت ملی نابود می‌شود (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۳).

---

<sup>۱</sup> Turkmenistan – Afghanistan – Pakistan – India pipeline



ایران به لحاظ حجم گاز فلر، سومین کشور جهان پس از کشورهای روسیه و عراق است. در سال ۲۰۱۸ حجم گاز فلر ایران ۱۷,۳ میلیارد مترمکعب بوده که نسبت به سال ۲۰۱۷ افت دو درصدی را تجربه کرده است (کریمی دستنایی، ۱۳۹۹).

جدول ۷: ۳۰ کشور اول با بیشترین حجم گاز فلر طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ (میلیارد مترمکعب)

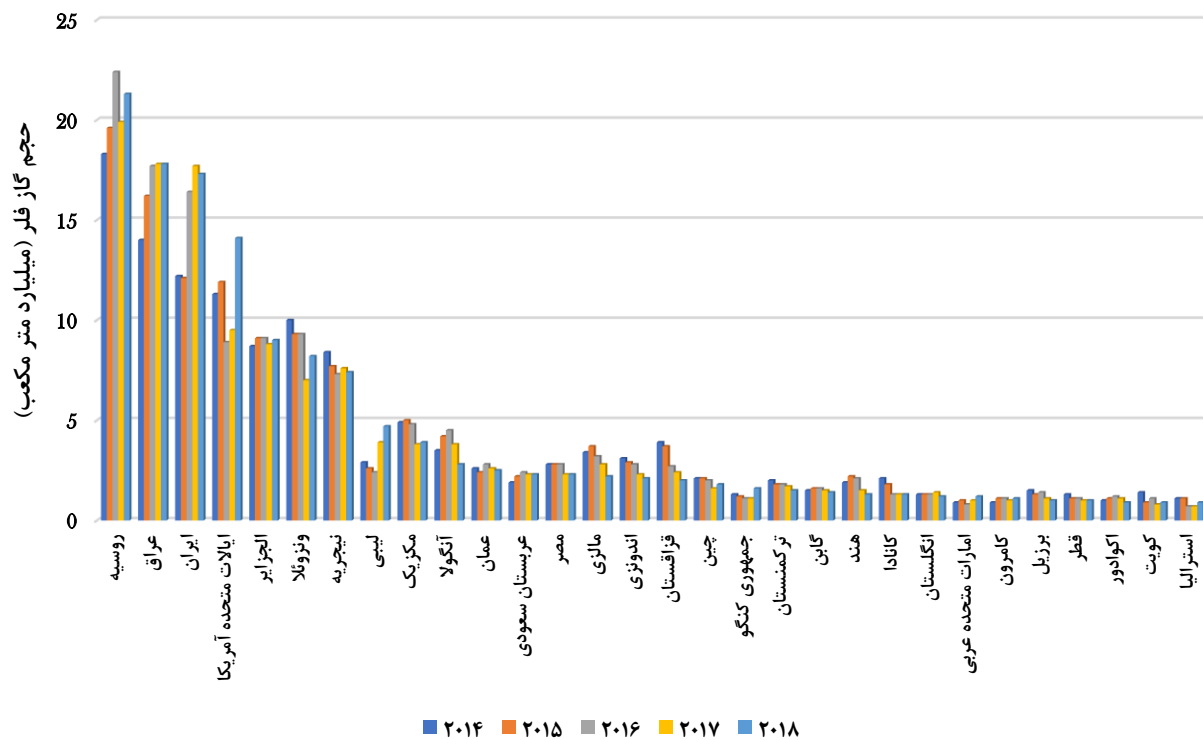
۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴		۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	
۲	۲,۴	۲,۷	۳,۷	۳,۹	قزاقستان	۲۱,۳	۱۹,۹	۲۲,۴	۱۹,۶	۱۸,۲	روسیه
۱,۸	۱,۶	۲	۲,۱	۲,۱	چین	۱۷,۸	۱۷,۸	۱۷,۷	۱۶,۲	۱۴	عراق
۱,۶	۱,۱	۱,۱	۱,۲	۱,۳	جمهوری کنگو	۱۷,۳	۱۷,۷	۱۶,۴	۱۲,۱	۱۲,۲	ایران
۱,۵	۱,۷	۱,۸	۱,۸	۲	ترکمنستان	۱۴,۱	۹,۵	۸,۹	۱۱,۹	۱۱,۳	ایالات متحده
۱,۴	۱,۵	۱,۶	۱,۶	۱,۵	گابن	۹	۸,۸	۹,۱	۹,۱	۸,۷	الجزایر
۱,۳	۱,۵	۲,۱	۲,۲	۱,۹	هند	۸,۲	۷	۹,۳	۹,۳	۱۰	ونزوئلا
۱,۳	۱,۳	۱,۳	۱,۸	۲,۱	کانادا	۷,۴	۷,۶	۷,۳	۷,۷	۸,۴	نیجریه
۱,۲	۱,۴	۱,۳	۱,۳	۱,۳	انگلستان	۴,۷	۳,۹	۲,۴	۲,۶	۲,۹	لیبی
۱,۲	۱	۰,۸	۱	۰,۹	امارات متحده عربی	۳,۹	۳,۸	۴,۸	۵	۴,۹	مکزیک
۱,۱	۱	۱,۱	۱,۱	۰,۹	کامرون	۲,۸	۳,۸	۴,۵	۴,۲	۳,۵	آنگولا
۱	۱,۱	۱,۴	۱,۳	۱,۵	برزیل	۲,۵	۲,۶	۲,۸	۲,۴	۲,۶	عمان
۱	۱	۱,۱	۱,۱	۱,۳	قطر	۲,۳	۲,۳	۲,۴	۲,۲	۱,۹	عربستان سعودی
۰,۹	۱,۱	۱,۲	۱,۱	۱	اکوادور	۲,۳	۲,۳	۲,۸	۲,۸	۲,۸	مصر
۰,۹	۰,۸	۱,۱	۰,۹	۱,۴	کویت	۲,۲	۲,۸	۳,۲	۳,۷	۳,۴	مالزی
۰,۹	۰,۷	۰,۷	۱,۱	۱,۱	استرالیا	۲,۱	۲,۳	۲,۸	۲,۹	۳,۱	اندونزی

Source: World Bank

جدول ۸: ۳۰ کشور با بیشترین حجم گاز فلر شده در سال ۲۰۱۸ (میلیارد مترمکعب)

حجم گاز فلر	ردیف	حجم گاز فلر	ردیف
۲	قزاقستان	۲۱,۳	روسیه
۱,۸	چین	۱۷,۸	عراق
۱,۶	جمهوری کنگو	۱۷,۳	ایران
۱,۵	ترکمنستان	۱۴,۱	آمریکا
۱,۴	گابن	۹	الجزایر
۱,۳	کانادا	۸,۲	ونزوئلا
۱,۳	هند	۷,۴	نیجریه
۱,۲	امارات متحده عربی	۴,۷	لیبی
۱,۲	انگلستان	۳,۹	مکزیک
۱,۱	کامرون	۲,۸	آنگولا
۱	قطر	۲,۵	عمان
۱	برزیل	۲,۳	عربستان سعودی
۰,۹	استرالیا	۲,۳	مصر
۰,۹	کویت	۲,۲	مالزی
۰,۹	اکوادور	۲,۱	اندونزی

Source: World Bank

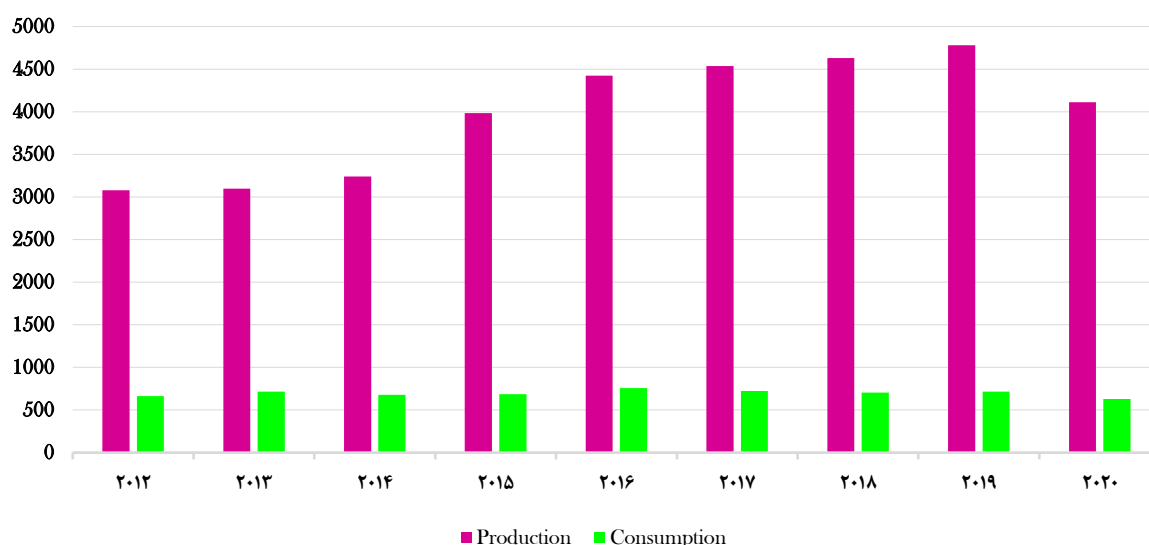


نمودار ۳۰: کشور اول با بیشترین حجم گاز فلر طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ (میلیارد مترمکعب)

(رتبه بندی شده بر اساس حجم گاز فلر در سال ۲۰۱۸)

## – عراق

عراق با داشتن ۰/۵۲٪ از جمعیت جهان (World Bank, 2020)، به ترتیب ۸/۳۷٪ و ۱/۸۶٪ ذخایر اثبات شده جهانی نفت و گاز طبیعی را در اختیار دارد. در سال ۲۰۲۰ از نقطه نظر نفت و گاز طبیعی، میزان تولید و مصرف عراق به ترتیب ۴۱۱۴ و ۶۲۸ هزار بشکه در روز و ۱۰/۵ و ۲۰/۸ میلیارد مترمکعب بوده است (BP, 2021). در زمینه تولید نفت عراق با تولید ۴۱۱۴ هزار بشکه در روز، به عنوان دومین تولیدکننده نفت در میان اعضاء اوپک پس از عربستان سعودی شناخته می‌شود (BP, 2021). اقتصاد عراق به شدت به درآمدهای ناشی از صادرات نفت وابسته است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۸، درآمد صادرات نفت حدود ۹۱ درصد از کل درآمدهای دولت عراق را تشکیل داده است.

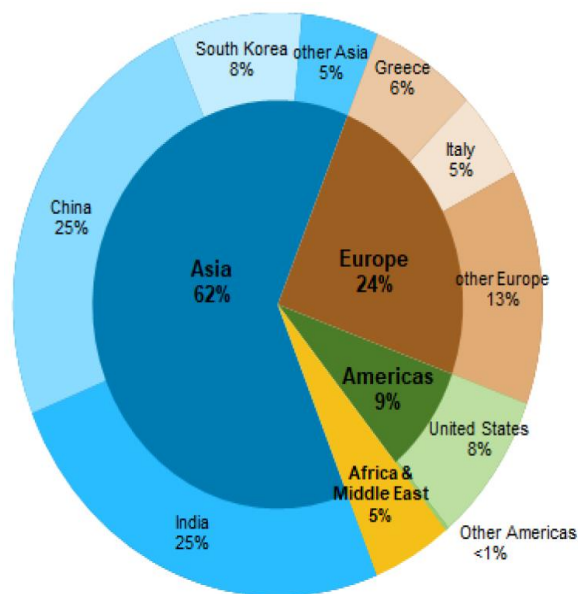


Source: BP. Statistical Review of World Energy 2021.

نمودار ۴: میزان تولید و مصرف نفت عراق ۲۰۱۲-۲۰۲۰ (هزار بشکه در روز)

از نقطه نظر صادرات نفت، عراق با ۳۵۸۳ هزار بشکه در روز پنجمین صادرکننده جهان محسوب می‌گردد. در سال ۲۰۱۹، تقریباً ۸۸ درصد از صادرات دریایی عراق از پایانه‌های جنوبی خلیج فارس صورت پذیرفته است که نفت سبک و سنگین بصره را صادر می‌کند. نفت از منطقه شمال عراق از طریق خط لوله به جیحان ترکیه حمل و از طریق بندر جیحان صادر می‌شود. آسیا (به طور عمده هند، چین، و کره جنوبی) مقصد اصلی نفت عراق بوده و ۶۲ درصد از صادرات نفت عراق را در سال ۲۰۱۹ وارد کرده است. چین و هند هر کدام تقریباً یک میلیون بشکه در روز نفت از عراق وارد کردند (تقریباً نیمی از کل صادرات عراق) که آن‌ها را به بزرگ‌ترین خریداران نفت عراق در طول سال تبدیل نموده است. خارج از آسیا، ایالات متحده با ۳۳۱ هزار بشکه در روز (۸ درصد از کل صادرات عراق) بیشترین نفت را از عراق وارد کرد. در مجموع، سهم کشورهای اروپایی از نفت صادراتی عراق ۲۴ درصد بوده است.

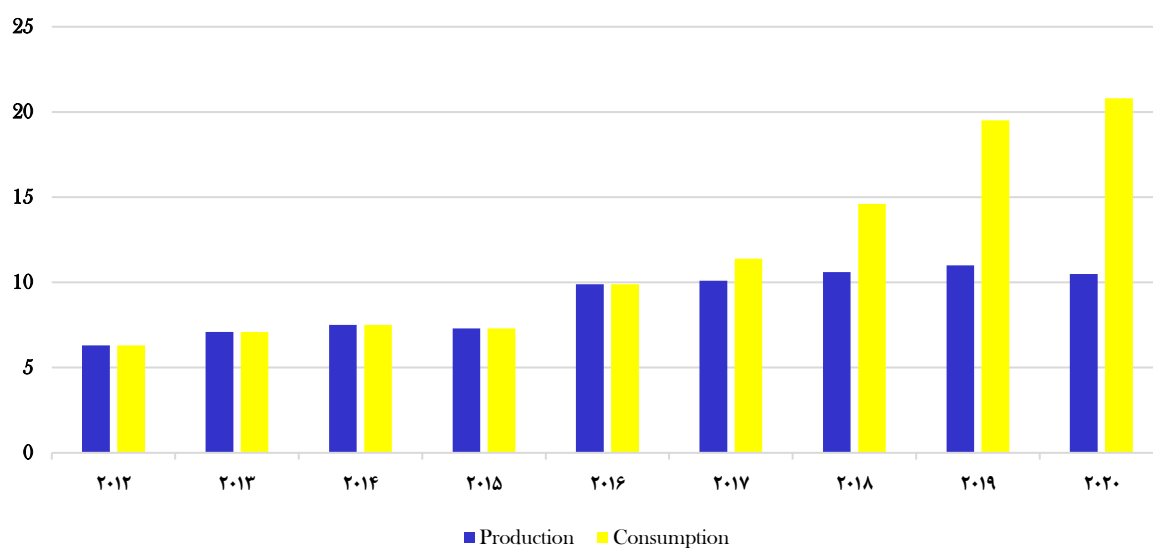
<sup>1</sup> International Monetary Fund



Source: EIA. Energy Information Administration

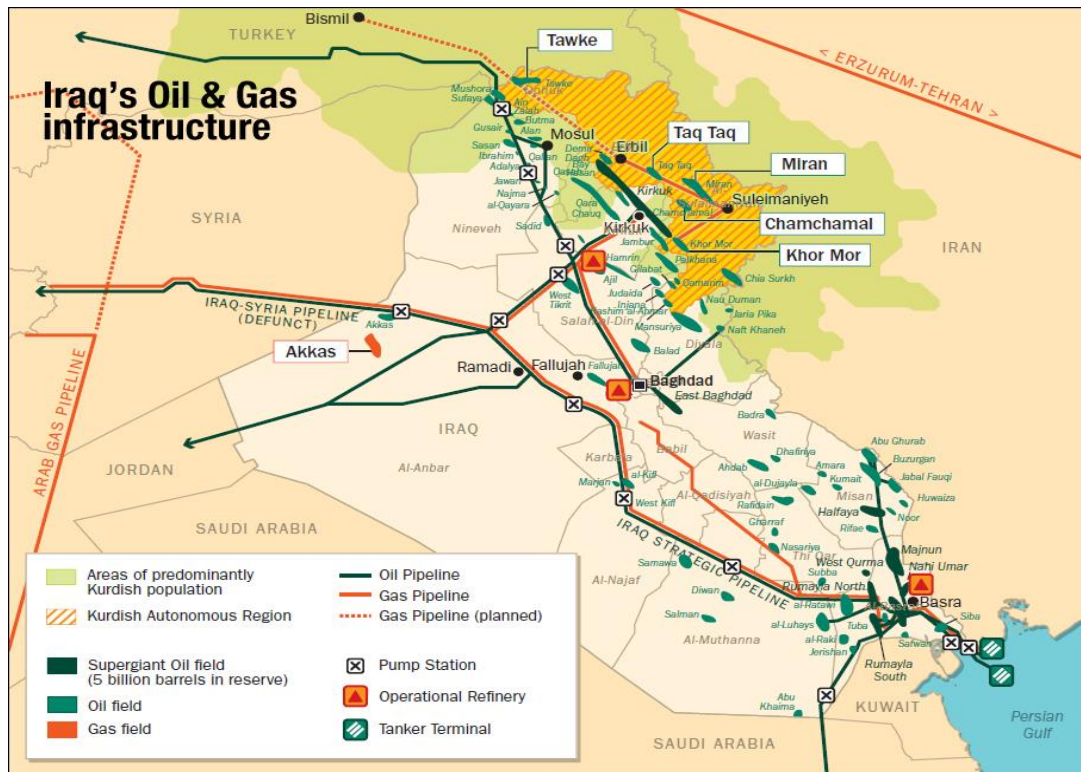
شکل ۱: مقاصد صادرات نفت خام و میعانات گازی عراق در سال ۲۰۱۹

عراق از نظر ذخایر اثبات شده گاز طبیعی یازدهمین کشور جهان محسوب می‌گردد. حدود سه چهارم ذخایر گاز طبیعی عراق به صورت گاز همراه است و بیشتر این گاز طبیعی در میدان‌های جنوب عراق قرار دارد. عراق از نقطه نظر گاز طبیعی از سال ۲۰۱۷ به عنوان یک کشور واردکننده گاز طبیعی شناخته می‌شود.



Source: BP. Statistical Review of World Energy 2021.

نمودار ۵: میزان تولید و مصرف گاز طبیعی عراق ۲۰۱۲-۲۰۲۰ (میلیارد مترمکعب)



Source: Al Monitor (<http://blogs.plymouth.ac.uk/dcsc/2019/07/21/iraq-plans-to-launch-pipelines-to-export-oil-through-jordan-and-syria/>)

شکل ۲: خطوط لوله انتقال نفت و گاز طبیعی عراق

عمده ذخایر نفت عراق در مناطق شمالی کردنشین و مناطق جنوب و جنوب شرق این کشور که غالباً شیعه مذهب هستند، قرار دارند. عراق پس از مدت‌ها بی‌ثباتی و ناامنی در حال تبدیل شدن به یکی از کنشگران اصلی در عرضه بین‌المللی انرژی است. عراق طی سالیان اخیر با همکاری شرکت‌های بین‌المللی تولید و صادرات نفت خود را به گونه قابل توجهی افزایش داده است. سیاست متنوع‌سازی مسیرهای صادرات نفت یکی از برنامه‌های اصلی عراق در حوزه انرژی است که در عین حال نیازمند رفع موانع و چالش‌های گسترده‌ای است. مشکلات عراق در زمینه تولید نفت شامل:

- فقدان امنیت داخلی که با تصرف بخشی از خاک عراق توسط داعش بیشتر شد.
- سوء مدیریت و عملکرد نامطلوب دولت عراق

در راه توسعه خطوط لوله نفت عراق ۲ راهبرد مشخص در پیشرو دارد:

- بازیابی خطوط لوله قدیمی نفت نظیر عراق - عربستان سعودی یا عراق - سوریه
- احداث خطوط لوله جایگزین مانند خط لوله عراق - اردن

## پارچوب نظری

کشورها با توجه به توزیع نامتوازن منابع و همچنین جغرافیای سیاسی منحصر به فرد در عصر جهانی شدن مبتنی بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل در نظام ژئوپلیتیک جهانی به تنهایی نمی‌توانند نیازهای خود را تامین کنند و در زمینه‌های مختلف ساختاری و کارکردی برای تامین منافع و کاستی‌های خود به یکدیگر وابستگی متقابل دارند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹). جهان کنونی میراث‌دار جنگ‌ها، انقلاب‌ها، تغییرات و تحولات متعددی در طول تاریخ زندگی انسان در کره خاکی می‌باشد. اجتماعی بودن انسان، او را وادار نمود تا در قبیله‌ها، روستاها، و سپس شهرها در کنار یکدیگر زندگی نماید. بدین صورت مرزهای بین

اراضی و آب‌های تحت کنترل یک قبیله با قبیله همسایه به وجود آمده و سپس این مرزها در نظام قبیلگی، ذهنیت هر انسان از گروه و قبیله خود و نتیجتاً چگونگی نگرش به دیگران رشد و توسعه یافت. واحدهای سیاسی بزرگ مانند امپراتوری‌ها آنگاه موفق بودند که می‌توانستند در میان گروه‌های نژادی، مذهبی، و قومی صلح برقرار نموده و یا جنگ را به تعویق افکنند.

پس از پیمان صلح چندجانبه وستفالی در ۱۶۴۸ واحدهای سیاسی بعنوان ملت-کشور یکدیگر را شناسایی کرده و حق تعیین سرنوشت برای کشورهای مستقل به رسمیت شناخته شد. در پایان جنگ جهانی اول با انتشار اعلامیه وودرو ویلسون در سال ۱۹۱۹ امید جهانیان برای تغییر نوع مناسبات حاکم بر جهان رنگ تازه‌ای به خود گرفت. اعلامیه ۱۴ ماده‌ای او با تأکید بر سازوکارهایی برای حفظ صلح، امنیت دسته جمعی، و حذف موانع اقتصادی و کاهش تسلیحات نوین بود (وحیدی‌راد، ۱۳۹۲).

جنگ جهانی دوم تلاشی بود بر تقدم خشونت بر صلح که با هزینه‌های انسانی و اقتصادی فراوان نهایتاً پایان یافت. پس از پایان آن و در تکاپوی آزاد اندیشان برای طراحی نظام بین‌الملل آزاد و برابر، وضعیت دوقطبی ناشی از تسلط دو کشور کانونی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی تلاش آزادی‌خواهان را نقش بر آب کرده و نظام دوقطبی و جنگ سرد بر روابط بین کشورها سایه انداخت. برخی از کشورهای جهان سوم به سوی چارچوب عدم تعهد به این دو بلوک شتافتند و با همکاری جمع غیرمتعهدها به دنبال رسیدن به گمگشته خویش که همانا روابط بین کشورها بر اساس آزادی و عدالت بود به آرمان‌گرایی مشغول شدند. واقعیت‌های صحنه سیاست جهانی قوی‌تر از رویاهای انسان‌ها بود و چنگ و دندان‌های شرق و غرب برای بلعیدن منابع طبیعی کشورهای جهان سوم آماده‌تر از گذشته با مشارکت شرکت‌های چندملیتی به دوران پسا استعمار شکل بخشیدند. یکی از روش‌های مقابله با تسلط کشورهای زیاده طلب و قوی پنجه، همکاری میان کشورهای ضعیف بود که سیاست ورزان کشورها به تدریج به سمت همکاری‌های میان همترازان خود پرداختند. همکاری‌های منطقه‌ای تجربه‌ای بود که از دل نیاز کشورهای هر منطقه برای توسعه بیشتر و محافظت در برابر قدرتهای دیگر پدید آمد. در دهه ۱۹۷۰ برای اولین بار همکاری‌های بین کشورهای تولیدکننده نفت توانست قیمت نفت را تا ۴ برابر افزایش داده و کشورهای مصرف‌کننده نفت را به تمکین از مقدار عرضه در برابر تقاضای بی حد و حصر آنان وادارد (Yergin, 1991).

در عین حال همکاری‌های منطقه‌ای در ذات خود یک دسته از تناقضات را حمل می‌نمایند. اولین مسئله به فرهنگ باز می‌گردد. در حالیکه در هر کشور هنجارها، طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، و نهایتاً فرهنگ‌ها مخصوص آن کشور و یا نواحی داخل آن کشور است، همگرایی منطقه‌ای کشورها را ملزم می‌سازد که به یک فرهنگ مشترک رو آورند. هر چند که این فرهنگ مشترک ممکن است برآیندی از خرده فرهنگ‌های نواحی مختلف در واحدهای سیاسی متفاوت باشد، اما بهر حال تنوع فرهنگی در جهان مانند تنوع زیستی از ثروت‌های بدون جایگزین می‌باشد. دومین مسئله به تصمیم‌گیری باز می‌گردد. هر ملت-دولت بنابر تعریف خود در تصمیم‌گیری در اکثر مواردی که در درون مرزهای آن کشور است مجاز بوده و به اصطلاح حاکمیت دارد. در سازمان‌های منطقه‌ای تصمیم‌گیری از دولت‌های مستقل مجزا شده و به شورای حکام و یا هیئت نمایندگان کشورها و یا هیئت مدیره آن سازمان سپرده می‌شود. هر چند که این افراد همچنان نمایندگان کشورها عضو هستند، اما بهر رو در مقطعی که نیاز به همگرایی بین اعضاء و یا مصالحه هست، کشورها باید از موضع ابتدایی خود کوتاه آمده و یا منحرف شوند. نکته دیگر به تسلط یک کشور در یک منطقه در فرآیند همگرایی باز می‌گردد. اگر اندازه اقتصادی و قدرت نظامی کشورها بصورت افراطی نامتقارن باشد، یک کشور می‌تواند بر کل سازمان منطقه‌ای مسلط گردد. پس اگر وابستگی متقابل نامتقارن باشد دولتی که کمتر وابسته است از عدم تقارن برای گسترش قدرت چانه‌زنی خود استفاده می‌کند.

به گفته جیمز روزنا عدم قطعیت ویژگی تعریف از امور جهانی است. ذات روابط بین‌الملل آشوبناک، غیرقابل پیش‌بینی و با رفتار پیچیده در درازمدت است. بازیگران در سیستم بین‌المللی آشوبناک دنبال امنیت هستند. نیاز به امنیت بازیگران را وا می‌دارد که با یکدیگر تعامل نمایند. به گفته کیسان ممکن است که ما بخواهیم مانند فیزیک این مسئله را دنبال کنیم. اما

متغیرها بصورت دقیق قابل تعریف نیستند. در حالیکه ما در ریاضیات باید سیستم، مرزهای آن و متغیرها را به صورت دقیق بدانیم. سیستم روابط بین‌الملل یک سیستم یکپارچه مانند سیستم‌های فیزیکی نیست. زیرا که نمی‌توان قوانین، معادلات و عکس‌العمل‌های آن را نوشت.

نظریه وابستگی متقابل ریشه در طرز تفکر انترونیونالیستی دارد و ریشه فکری متاخر این نظریه را می‌توان در مطالعات مربوط به همگرایی منطقه‌ای یافت. تئوری وابستگی در اساس در حیطه روانشناسی انسان تعریف شده است. اکثر نظریه‌های روان‌شناختی بر فرد تمرکز دارند و معتقدند که مردم بر اساس تجربیات و یا محرک‌ها و یا شخصیت منحصر به فرد خود رفتار می‌کنند. اما تئوری وابستگی متقابل برای روابط بین افراد به اندازه خود آن‌ها اهمیت قائل است. بنابراین، این نظریه یک مدل بسیار ضروری از طبیعت و پیامدهای وابستگی متقابل آن ارائه می‌کند؛ این تئوری در واقع یک تئوری روانشناسی اجتماعی است.<sup>۱</sup>

از اواخر دهه ۱۹۶۰ و در دهه ۱۹۷۰ در ویژگی‌های اصلی نظام بین‌المللی تغییراتی ایجاد شد که شاخصه آن پیچیدگی و روابط متعدد و متداخل در کشاکش همکاری بود. منظور از وابستگی متقابل پیوند مستقیم و مثبت منافع کشورها به نحوی است که تغییر در موقعیت یک کشور، جایگاه سایرین را در همان جهت تغییر دهد. وابستگی به معنای وضعیتی است که نیروهای خارجی آن را تعیین می‌کنند یا تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می‌دهند. وابستگی متقابل در ساده‌ترین مفهوم وابستگی دو جانبه است. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیت‌هایی اشاره دارد که وجه مشخصه آن‌ها آثار متقابل میان کشورها یا میان بازیگران در کشورهای مختلف است (مشیرزاده، ۱۳۸۴). ریچارد کوپر بر بعد اقتصادی تاکید می‌کند و آن را حساسیت تعاملات اقتصادی میان دو یا چند دولت به تحولات اقتصادی درون آن دولت‌ها می‌داند و تاکید می‌کند که لازمه وابستگی متقابل دو جانبه بدون حساسیت است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۱). مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل را می‌توان شامل وابستگی متقابل، قدرت، حساسیت، آسیب‌پذیری، هزینه، تقارن، و عدم تقارن دانست.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ابتدای دهه ۹۰ میلادی تحولی عمیق در روابط بین‌الملل و بزرگ‌ترین فرصت برای ایران است. پس از فروپاشی و تشکیل ۱۵ کشور مستقل، به تدریج تغییرات دیگری نیز حادث شد. از جمله مشخص شد که بازیگران روابط بین‌الملل تنها دولت‌ها نیستند؛ شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌ها، و رژیم‌های بین‌المللی بازیگران جدیدی هستند که در کنار دولت‌ها نقش آفرینی می‌کنند. در چنین شرایطی مسائل اساسی جهان دیگر تنها مسائل نظامی، امنیتی، و استراتژیک نیست؛ بلکه مسائل اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، و فرهنگی اهمیت بیشتری یافته‌اند.

با توجه به اهمیت یافتن مسئله تغییر اقلیم و گرمایش زمین به تدریج حرکت از سوی سیاست حاد به سوی سیاست ملایم بیشتر شد. به همین دلیل نیز کاربرد زور و قدرت نظامی کمتر و همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتر می‌شود. قاعده رفتار در عرصه جهانی از تعارض و مخاصمه به همکاری‌های فراملی تغییر کرده، و در شرایط وابستگی متقابل قاعده بازی دیگر بازی حاصل جمع صفر نیست، بلکه برد و باخت می‌تواند به طور یکسان برای همه طرف‌های بازی باشد. سلسله مراتب قدرت که مبتنی بر قدرت نظامی بود جای خود را به شبکه پیچیده‌ای از همکاری‌ها می‌دهد که دیگر سلسله مراتبی نیست.

از سوی دیگر انقلاب اطلاعاتی و فناوری‌های ارتباطاتی در روابط بین‌الملل تاثیرات عمیقی بر جای نهاده‌اند. هزینه‌های برقراری ارتباط از راه دور در نتیجه انقلاب اطلاعاتی تقریباً به صفر رسیده است. در حالیکه در گذشته ارسال هر نامه و یا گزارش از سوی هر کشوری به کشور دیگر و یا در میان نمایندگی‌های دیپلماتیک کشورها به نیروی انسانی و هزینه حمل‌ونقل بالا نیاز داشت. به دلیل هزینه‌های واقعی انتقال که ناچیز شده‌اند، میزان اطلاعاتی که می‌توان منتقل کرد، واقعا نامحدود است. قدرت

<sup>1</sup> <https://lovesradio.com/%d8%aa%d8%a6%d9%88%d8%b1%db%8c-%d9%88%d8%a7%d8%a8%d8%b3%d8%aa%da%af%db%8c-%d9%85%d8%aa%d9%82%d8%a7%d8%a8%d9%84-interdependence-theory/>

رایانه‌ها از سی سال گذشته هر ۱۸ ماه دو برابر شده و اکنون کمتر از یک درصد آنچه در سال‌های نخستین دهه ۱۹۷۰ هزینه داشت، هزینه دارد. به‌گونه‌ای مشابه، رشد اینترنت و شبکه جهانی وب بسیار سریع بوده است. ارتباط اینترنتی هر صد روز دو برابر می‌شود. پهنای باندهای ارتباطات به سرعت گسترش می‌یابد و هزینه‌های ارتباطات مرتباً کاهش می‌یابند. تا سال ۱۹۸۰ در تماس‌های تلفنی از طریق سیم مسی در هر ثانیه یک صفحه اطلاعات منتقل می‌شد؛ امروزه از یک مسیر باریک فیبر نوری می‌توان در هر ثانیه نود هزار صفحه اطلاعات را انتقال داد (اکهان و همکاران، ۱۳۸۳).

فرآیند سیاست خارجی در ایران در سطوح مختلف شکل گرفته است. به عنوان مثال روابط مردمان ایران با همسایگان را می‌توان در چند سطح تقسیم‌بندی نمود:

جدول ۹: نوع روابط ایران با سایر کشورها

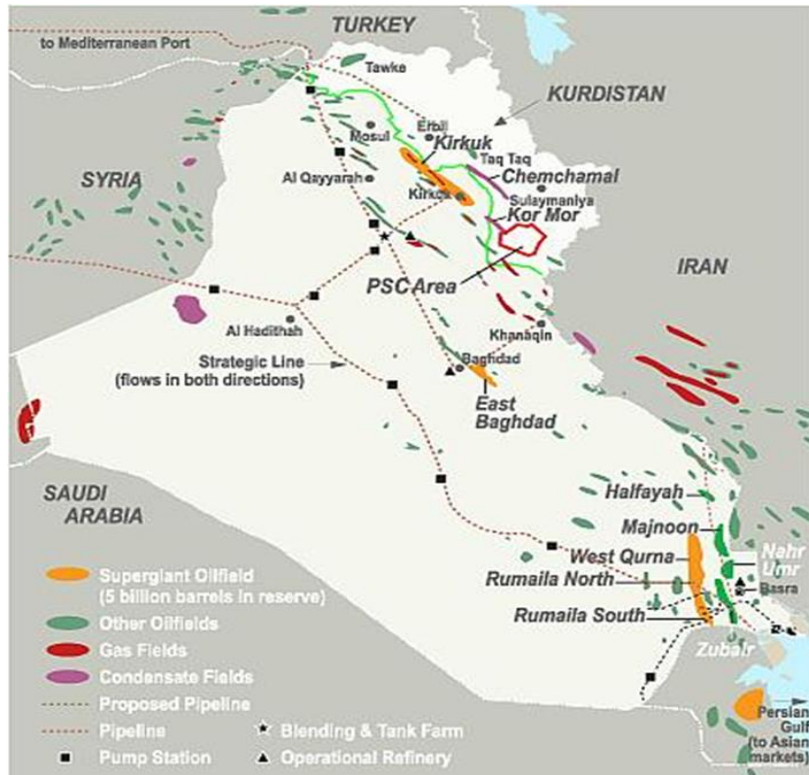
روابط استانی با سایر کشورها	عراق، روسیه، و افغانستان
روابط دو جانبه با سایر کشورها	ژاپن، ترکیه، و برزیل
روابط چند جانبه با سایر کشورها	ترکمنستان و هند
روابط منطقه‌ای	اکو و شانگهای
روابط مفهومی	اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای
روابط با سازمان‌های بین‌المللی	ملل متحد و یونسکو
روابط با دیگر کشورها با پیامدهای بین‌المللی	روسیه، ترکیه، ایالات متحده، و اتحادیه اروپا

## تحلیل زمینه‌های همکاری میان ایران و همسایگان

پس از بررسی وضعیت کشورهای ایران و عراق در این بخش به بررسی ظرفیت‌های مغفول مانده در زمینه همکاری ایران با همسایگان با تاکید بر عراق می‌پردازیم. امروزه در روابط بین‌الملل سلطه بر کانون‌های تولید، منابع نفت و گاز طبیعی، و مسیر انتقال آن‌ها اساس کار بسیاری از سیاستگذاران را تشکیل می‌دهد و کشورهایی که دارای سیاست انرژی محور هستند غالب تصمیم‌های خود را با تکیه بر پشتوانه انرژی اتخاذ می‌نمایند (فرجی‌راد، ۱۳۹۶). اروپا با مشکلات فزاینده‌ای در تامین انرژی‌های فسیلی مورد نیاز خود در آینده روبه‌رو خواهد شد، زیرا کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای صنعتی اروپایی ضرورتاً می‌بایستی با واردکنندگان بزرگ آسیایی به ویژه چین و هند رقابت کنند تا جایگاه مناسبی در بازار صادرات روسیه، آسیای مرکزی (عمدتاً قزاقستان)، غرب آفریقا، و خلیج فارس بدست آورند. نیازهای اروپا، با توجه به تقاضای فزاینده چین و هند، آنقدر جدی است که تامین نفت و گاز طبیعی به هر میزان و از هر کشور حوزه خلیج فارس برای اروپا حیاتی می‌باشد. این نکته نشان می‌دهد که فشارهای اخیر ایالات متحده به کشورهای اروپایی در کاهش و یا توقیف واردات نفت از ایران تا چه حد در تعارض با واقعیت‌های بازار نفت است و لذا در بلند مدت محکوم به شکست خواهد بود. به عبارت دیگر، شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی اروپا نهایتاً حاکمیت خود را بر ملاحظات سیاسی و فشارهای یک کشور غیراروپایی تحمیل خواهد کرد و دنباله‌روی‌های اروپا از سیاست‌های یک جانبه ایالات متحده دیر یا زود، تحت تاثیر واقعیت‌های بازار جهانی نفت، به پایان خواهد رسید (درخشان، ۱۳۹۱).

در زمینه صادرات نفت و گاز طبیعی ایران با استفاده از همسایگان خود به اروپا ایران نیازمند تعامل با عراق است. همکاری با عراق بسیار حائز اهمیت است چرا که همانگونه که در ادامه بدان خواهیم پرداخت زمینه‌های همکاری میان ایران و عراق فراهم است.





شکل ۳: ذخایر نفت و گاز طبیعی عراق

همانگونه که از موقعیت جغرافیایی میادین نفت و گاز طبیعی عراق مشخص است، جنوب شرق عراق که در نزدیکی استان‌های جنوب غربی ایران قرار دارند بیشترین حجم ذخایر نفت و گاز طبیعی عراق را در خود جای داده است. راهبرد متنوع‌سازی مسیرهای صادراتی از جمله مهم‌ترین سیاست‌های هر کشور تولیدکننده است، در چنین شرایطی لزوم توجه به کشور عراق بسیار حائز اهمیت است. صادرات نفت عراق از طریق ایران به دلایل زیر بهترین مسیر است:

#### - هزینه احداث

همانگونه که در شکل (۳) قابل مشاهده است بزرگترین ذخایر نفت عراق در نزدیکی مرزهای ایران قرار دارد. لذا مسیر ایران در مقایسه با مسیرهای عربستان سعودی، سوریه، و مصر به هزینه احداث کمتری احتیاج داشته و در زمان کمتری به بهره‌برداری خواهد رسید.

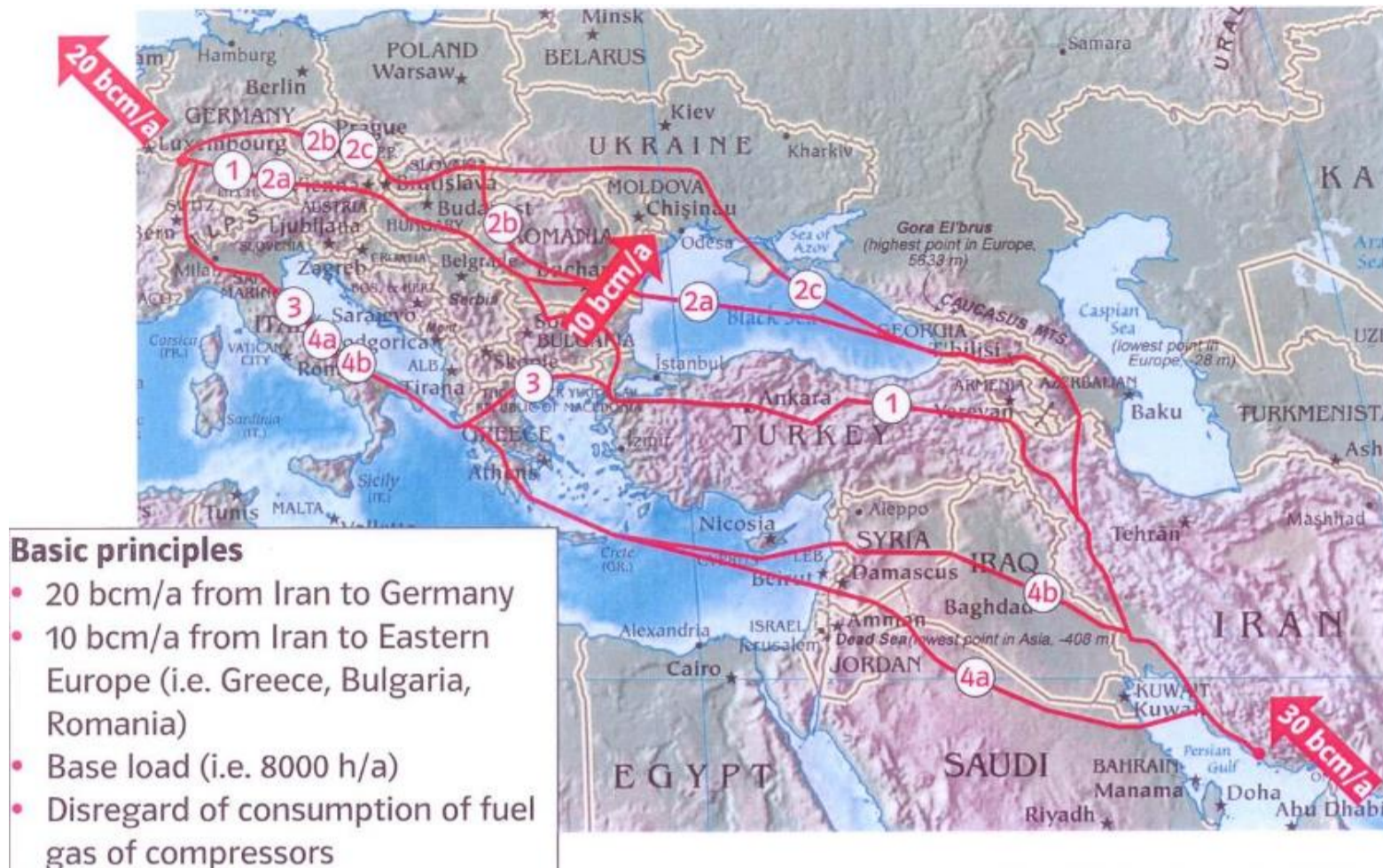
#### - امنیت

دیگر مزیت مهم ایران در مقایسه با سایر مسیرها، امنیت پایدار است. دو مسیر اردن و سوریه به هیچ عنوان نمی‌توانند گزینه اطمینان بخشی در این زمینه باشند و از سوی دیگر مسیر عربستان سعودی نیز به دلیل روابط متلاطم دو کشور نمی‌تواند امنیت عرضه عراق را تامین نماید، لذا مسیر ایران به دلیل روابط سیاسی با ثبات و امنیت قابل ملاحظه بهترین مسیر در راستای تامین امنیت عرضه عراق می‌باشد.

#### - همسویی با مقاصد عمده صادراتی

عمده صادرات نفت عراق به کشورهای شرق آسیا است در این راستا عراق می‌تواند با احداث خط لوله به ویژه از منطقه اقلیم کردستان، قدرت رقابت خود را در بازار این منطقه افزایش دهد. در شرایط حاضر عراق هیچ خط لوله‌ای برای انتقال نفت خود به بازار شرق در اختیار ندارد و تنها گزینه صادرات نفت از طریق دسترسی محدود این کشور به خلیج فارس صورت می‌پذیرد.

در صورت عدم همکاری ایران با عراق ممکن است این کشور در آینده به عنوان یک بازیگر مستقل انرژی بیش از پیش سهم ایران را در بازار نفت به چالش بکشد. از سوی دیگر در صورت رفع موانع و همکاری مجدد عراق با عربستان سعودی و یا اردن باید منتظر فاصله گرفتن بغداد از تهران در عرصه سیاسی باشیم.



شکل ۴: نمای کلی تمام مسیرهای انتقال گاز طبیعی ایران به اروپا<sup>۱</sup>

جدول ۱۰: مشخصات مسیرهای بالقوه خط لوله از ایران به اروپا

مسیر خط لوله	کشورهای ترانزیت	طول خط لوله (کیلومتر)	طول خط لوله در ایران (کیلومتر)	سرمایه‌گذاری (میلیارد یورو)	سهم ایران از سرمایه‌گذاری (میلیارد یورو)	توضیحات
ترکیه و اروپای شرقی	ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش	۵۶۹۰	۱۸۶۰	۱۴/۸	۵/۳	مسیر ساحلی ترکیه کشور ترانزیت حیاتی در این مسیر است. بخشی از مسیر بین ترکیه و اتریش متناظر با پروژه نابوکو است.
دریای سیاه و اروپای شرقی	آذربایجان، گرجستان، رومانی، مجارستان و اتریش	۵۶۶۰	۱۸۰۰	۱۸/۴	۵/۲	در مسیر ساحلی و غیر ساحلی از طریق دریای سیاه عدم عبور از ترکیه به عنوان کشور ترانزیت استفاده از گرجستان به عنوان کشور ترانزیت تداخل بالقوه با منافع روسیه در دریای سیاه (عبور از خط لوله آبی - ترک استریم) چالش‌های فنی قابل توجه ناشی از عبور از دریای سیاه (عمق ۲۲۰۰ متر)
دریای سیاه و اروپای شرقی	آذربایجان، گرجستان، رومانی/مجارستان، اوکراین، اسلواکی و جمهوری چک	۵۷۶۰ الی ۶۰۳۰	۱۸۰۰	۱۹/۲ الی ۱۷/۷	۵/۲	بخش ساحلی کوتاه‌تر عمق غیر ساحلی ۲۲۰۰ متر استفاده از ظرفیت بالقوه استفاده نشده در شبکه موجود در اوکراین، اسلواکی و جمهوری چک کاهش بالقوه سرمایه‌گذاری در حدود ۱/۹ تا ۳/۶ میلیارد امکان پذیر است.
ترکیه و اروپای جنوبی	ترکیه، یونان، ایتالیا و سوئیس	۶۳۲۰	۱۸۶۰	۱۶/۷	۵/۳	پایین‌ترین تعداد کشور ترانزیت تحقق خط لوله ایران ترکیه کشور ترانزیت حیاتی در این مسیر است. ادغام پروژه‌های جاری برای عبور از دریای آدریاتیک بین یونان و ایتالیا امکان‌پذیر است. استفاده از شبکه موجود بین شمال ایتالیا و آلمان کاهش بالقوه سرمایه‌گذاری در ۱/۳ میلیارد یورو ممکن است.
دریای مدیترانه	عربستان سعودی، اردن، سوریه، لبنان/عراق، سوریه، یونان، ایتالیا و سوئیس	۵۷۲۰ الی ۵۸۷۰	۴۷۰ الی ۸۷۰	۲۱/۸ الی ۲۲/۴	۲/۵ الی ۱/۳	گذرگاه جنوبی ترکیه نقش کشورهای خاورمیانه در ترانزیت این مسیر مشخص نیست. استفاده از شبکه موجود بین شمال ایتالیا و آلمان کاهش بالقوه سرمایه‌گذاری در حد ۱/۳ میلیارد یورو ممکن است. چالش‌های عمده فنی ناشی از عبور از دریای مدیترانه با عمق ۲۵۰۰ متر

براساس اطلاعات موجود در جدول ۱۰ موارد زیر قابل بیان است:

۱. حداقل طول خط لوله (تا سال ۲۰۰۹) ۵۷۰۰ کیلومتر، حداکثر طول خط لوله ۶۳۰۰ کیلومتر می‌باشد.
۲. حداقل سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد یورو و حداکثر سرمایه‌گذاری ۲۲ میلیارد یورو برآورد شده است.
۳. مناسب‌ترین مسیرها: مسیر ۱، با ساحل از طریق اروپای شرقی و مسیر ۳، با ساحل از طریق اروپای جنوبی می‌باشد.
۴. علت ارجحیت این دو مسیر سرمایه‌گذاری کمینه، عبور خط لوله از کشورهای ترانزیت شناخته شده و استفاده از کریدورها و پروژه‌های موجود ممکن می‌باشد.

## نتیجه گیری

در پژوهش حاضر با تاکید بر نظریه وابستگی متقابل به بررسی همکاری ایران و همسایگان با تاکید بر عراق پرداختیم. در نهایت توجه به این نکات حائز اهمیت است که حل مشکل با جهان از طریق گفتگو قدم نخست است. ایران به واسطه برخورداری از ذخایر قابل توجه نفت و گاز طبیعی به عنوان رقیبی مهمی برای سایر کشورها شاخص در این زمینه محسوب می شود. در چنین شرایطی طبیعی است که کشورهای رقیب و مصرف کننده از ادامه روند موجود استقبال کنند، چرا که برای کشورهای رقیب فرصت استفاده حداکثری از نبود ایران فراهم ساخته می شود و برای کشورهای مصرف کننده امکان خرید نفت و گاز طبیعی ایران با قیمتی کمتر فراهم می شود. از سوی دیگر با توجه به موقعیت استراتژیک ایران، تبادل نفت و گاز طبیعی با کشورهای همسایه می تواند موجب شکل گیری یک بازار استراتژیک به محوریت ایران شود. این موضوع علاوه بر ایجاد وابستگی متقابل انرژی با سایر کشورها و تقویت امنیت ملی ایران، موجب اثرگذاری بر قیمت گذاری این بازار و در نتیجه حداکثر کردن منافع اقتصادی کشور می شود.

## توصیه های سیاستی

۱. مهم ترین پارامتر برای ایران در صورت نیت راسخ برای کسب ثروت از ذخایر نفت و گاز طبیعی زمان است. به دنبال تاکید کشورهای جهان بر گذار انرژی و حرکت جهان به سمت استفاده از انرژی های تجدیدپذیر، در صورت از دست دادن زمان در آینده حتما با چالش های بزرگتری مواجه خواهیم شد چرا که دور از انتظار نیست در سالیان پیشرو حتی بر محصولاتی که با استفاده از مصرف سوخت های فسیلی تولید می شوند نیز تعرفه هایی اضافه بر موارد مرسوم وضع گردد.
۲. سیاست های ضد ایرانی ایالات متحده نظیر تحریم ها مهم ترین مانع بر سر راه ایران در ایفاء نقش در زمینه انرژی است، با این وجود اتخاذ رویکرد منفعلانه از سوی ایران چاره کار نیست. تحولات حاضر حکایت از تغییر در نظام بین الملل و حرکت جهان به سمت جهان چند قطبی دارد. در این راستا اتخاذ سیاست های مبتنی بر همکاری انرژی با همسایگان ولو در سطح خرد می تواند قدم هایی کوچک در این مسیر باشد که لازم است برداشته شوند.
۳. صادرات نفت و گاز طبیعی به دیگر کشورها موجب وابستگی آن ها به ایران و در نتیجه افزایش قدرت سیاسی و ارتقاء امنیت ملی کشور می شود. در این میان تجارت گاز طبیعی (صادرات و واردات) به دلیل ساختار خاص بازار گاز طبیعی جهان، یکی از مهم ترین ابزارهای کشور برای ایجاد وابستگی در کشورهای طرف معامله است.
۴. در صورت به مرحله اجرا رسیدن صادرات گاز طبیعی ایران به اروپا، توجه ایران به یک برنامه راهبردی جامع و دوری از هرگونه بدعهدی در زمینه تامین گاز طبیعی و سیاست های تنش زا الزامی است، که برآورده کردن این شرایط نیازمند تشکیل یک کارگروه شامل افراد کار آزموده، متخصص، مستقل، و آگاه نسبت به شرایط ایران از تمامی قسمت های تاثیرگذار بر روند سیاست گذاری کشور می باشد.
۵. محور شمال و جنوب ایران، محور تولید نفت و گاز طبیعی و محور شرق و غرب، محور مصرف است که مرکز آن، ایران می تواند مرکز تجارت قرار گیرد؛ لذا مشارکت در شبکه خطوط لوله نفت و گاز طبیعی به اشکال گوناگون می تواند نقش و سهم ایران را در بازار انرژی افزایش دهد.
۶. در زمینه میدان های مشترک گاز طبیعی باید اولویت اصلی خود را از لحاظ سرمایه گذاری و بهره برداری به این میادین بدهد و با ایجاد شرکت های مشترک با کشورهای مقابل و بهره برداری و استخراج سریع تر از این میادین از غارت و چپاول منابع گاز طبیعی کشور جلوگیری کرد.

۷. ایران امن‌ترین راه برای صدور نفت و گاز طبیعی از دریای خزر به خاور دور است. بر این اساس می‌بایست امکان حضور در بازارهای صادراتی گاز طبیعی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، تا ضمن گسترش و توسعه تعامل با کشورهای آسیایی، اروپایی، برخورداری از مزایای صادرات و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، تفاهم بین کشورهای عرضه‌کننده و تقاضاکننده افزایش و بحران‌های منطقه‌ای نیز تعدیل و مرتفع شود.

## مراجع

- اکهان، رابرت؛ ژوزف نای. (۱۳۸۳). "قدرت و وابستگی متقابل در عصر اطلاعات." ترجمه مهدی محسنی، فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی. ۷ (۲): صص. ۱۳۶-۱۲۱.
- اسلامی، مسعود. (۱۳۹۱). "دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی." راهبرد. ۲۱ (۶۴): صص. ۲۲۰-۱۸۹.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ بهادر غلامی؛ حسین خالدی؛ مهدی نیک‌سرشت. (۱۳۹۳). "گاز طبیعی؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران از منظر ژئوپلیتیک." جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی. ۲۵ (۲): صص. ۲۵۲-۲۲۹.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ کمال رنجبری. (۱۳۹۹). "تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و ترکمنستان با تاکید بر دیپلماسی آب و انتقال انرژی." مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱۳ (۲): صص. ۴۱۷-۳۹۱.
- ترازنامه نیرو. (۱۳۹۶).
- درخشان، مسعود. (۱۳۹۱). "امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز." راهبرد. ۲۱ (۶۴): صص. ۱۸۸-۱۵۹.
- صادقی، سید شمس‌الدین. (۱۳۹۲). "ایران و تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی." مطالعات اوراسیای مرکزی. ۶ (۱۲): صص. ۱۱۴-۹۵.
- صادقی، اکبر؛ سید جلال دهقانی فیروزآبادی؛ هادی آجیلی. (۱۳۹۷). "بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل." فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. ۱۱ (۴۳): صص ۱۰۵-۷۳.
- علیزاده، علی؛ حامد کاظمی. (۱۳۹۹). "اقتصاد سیاسی عربستان سعودی در دریای سرخ." مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ۳ (۲): صص. ۵۴۶-۵۱۱.
- فرجی‌راد، عبدالرضا؛ روح‌الله صالحی دولت‌آباد. (۱۳۹۶). "اهمیت نقش انرژی در سیاست خارجی روسیه." فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۳ (۹۸): صص. ۶۶-۳۳.
- کولایی، الهه؛ امیر ابراهیمی. (۱۳۹۲). "تبیین ژئوپلیتیکی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان." فصلنامه ژئوپلیتیک. ۹ (۲): صص. ۴۹-۸۱.
- کریمی دستنابی، طاهره. (۱۳۹۹). "وضعیت گاز فلر شده در ایران و جهان." اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، معاونت بررسی‌های اقتصادی.
- گزارش E&O. (۲۰۰۹).
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). "تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل." تهران، انتشارات سمت.
- نیاکوئی، سید امیر؛ داود کریمی‌پور. (۱۳۹۴). "دیپلماسی انرژی اسرائیل: مبانی و اهداف منطقه‌ای." فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی. ۷ (۲۲): صص. ۵۸-۲۷.
- وحیدی‌راد، میکائیل. (۱۳۹۲). "نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران." خردنامه. ۱۰: صص. ۱۱۴-۹۹.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ علیرضا اکبریان. (۱۳۹۱). "انرژی و روابط چین با خلیج فارس." فصلنامه سیاست. ۴۲ (۲): صص. ۳۳۴-۳۱۵.
- Akhbari, Mohammad. (2018). "The Role of Fossil Fuel (Oil and Gas) in the World Geopolitics of Energy (Case Study of Iran 2000-2015)." *Geopolitics Quarterly*. 13 (4): pp. 76-91.
- BP. Statistical Review of World Energy 2021.
- Cornelius, Peter; Jonathan Story. (2007). "China and Global Energy Markets." *Orbis*. 51 (1): pp. 5-20.
- EIA. (2020). "Country Analysis Executive Summary: Iraq." [https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries\\_long/Iraq/iraq\\_exe.pdf](https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries_long/Iraq/iraq_exe.pdf)
- Raphael, Sam; Doug Stokes. (2011). "Globalizing West African Oil: US 'Energy Security' and the Global Economy." *International Affairs*. 87 (4): pp. 903-921.
- Singh, S. and B. Singh (2019). "Geopolitics of Ports: Factoring Iran in India's Counterbalancing Strategy for Sino-Pak Axis." *Journal of Eurasian Studies*. 10 (2): pp. 169-182.
- Yergin, Daniel. (1991). *The Prize: The Epic Quest for Oil, Money & Power*. New York. Simon & Schuster.

- World Bank. (2020).  
<https://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?locations=IR-1W-IQ>
- <https://yearbook.enerdata.net/natural-gas/balance-trade-world-data.html>
- <http://blogs.plymouth.ac.uk/dcss/2019/07/21/iraq-plans-to-launch-pipelines-to-export-oil-through-jordan-and-syria/>
- <https://lovesradio.com/%d8%aa%d8%a6%d9%88%d8%b1%db%8c-%d9%88%d8%a7%d8%a8%d8%b3%d8%aa%da%af%db%8c-%d9%85%d8%aa%d9%82%d8%a7%d8%a8%d9%84-interdependence-theory/>